



سانسور فتح خرمشهر در سینما!

آرشیہ فہیم

بررسی و مطالعه تاریخ سینمای ایران اغلب با درخ و تلخی همراه است؛ درحالی که یکی از رسالت‌های سینما در همه جای جهان، بازتولید فرهنگ و آرمان‌های جوامع است، در کشور ما اوضاع به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. یکی از جلوه‌های این واقعیت ناگوار را می‌توان بی تفاوتی هنر هفتم ایران – به ویژه در دهه اخیر – درقبال بسیاری از افتخارات و درخشش تاریخی و ملی دید.

نمونه قابل ملاحظه عدم تمایل حتی یک فیلم درباره «فتح خرمشهر» از این پیروزی نیست که حادثه، که یک نماد تاریخی و انسانی است؛ برای نخستین بار در تاریخ معاصرمان، ایران وارد یک جنگ نابرابر و همه‌جانبه شد و اجازه نداد درهای از خاک سرزمین‌مان اشغال شود. فتح خرمشهر، پایانی بود بر صدها سال به یغما رفتن خاک این کشور که به واسطه حماقت و خیانت شاهان بی‌ایافتن در تاریخ ما تحمیل شد. حتی رژیم استبدادی – استعماری پهلوی نیز با همه ادعاهای قدرت نظامی اما بی‌شاهی اما بی‌شکوهی را از راحتی و آگاهی کردند. رضاشاه، تحت معاهده سعدآباد بخش‌هایی از شرق کشور در بولجستان، کوههای آزارات در شمال غربی و بخشی از اوندود در جنوب غربی را از ایران جدا کرد. محمدرضاشاه نیز بحرین را در قامت یکی از استان‌های ایران به انگلیس سپرد. هرچند وطن فروشان می‌خواستند خرمشهر را نیز حراج کنند؛ اما این بار ملتی که با دم مسیحایی امام خمینی (ره) زنده شد بود، با تکیه بر توانمندی‌ها و ایمان خود، تاریخ را تغییر داد و به این ترتیب، سوم خرداد، روزی شد و به وسعت همه تاریخ و خرمشهر، شهری شد به بزرگی یک ملت.

با این حال سینمای ما از این نقطه از تاریخ کشورمان که مبدأ پیروزی ما و شکست استکبار محسوب می‌شود، بی تفاوت عبور کرده است.

با مروری بر واکنش سینمایی ایران به موضوع خرمشهر می‌توان دید که عرصه مستند در مقایسه با سینمای داستانی، زودتر به این موضوع روی آورد. البته به دلیل این که آثار فلیهای مستند جنگ، دقیق و کامل نیست، اطلاع زیادی درباره کم و بیش تمام مستندهای که در خرمشهر ساخته شده‌اند در دست نیست؛ اما چندی نمونه‌ای می‌توان شرف داد. این میان مجموعه «روایت فتح» همچنان که سهمی عمده در تولید مستند دفاع مقدس دارد، در زمینه پرداختن به خرمشهر نیز پیشرو بوده است. این گروه که آن زمان شهید سیمرغی آوینی سرپرستی‌اش را برعهده داشت، اولین آثار تصویری درباره اشغال و سقوط خرمشهر را تولید کردند، «فتح خون»، عنوان مستندی سه قسمتی بود که در سال ۱۳۵۹ خلق شد. آن زمان، خرمشهر هنوز در حال مقاومت بود و به طور کامل به اشغال دشمن در نیامده بود. (به قول شهید آوینی، خرمشهر هنوز خونین شریف نشده بود؛ فیلم بعدی را هم همین گروه و همان هنرمندان با عنوان «حقیقت» در ۱۱ قسمت ساختند که بر بررسی سقوط خرمشهر می‌پردازد.



از دیگر فیلم‌های مستندی که درباره خرمشهر ساخته شده است، می‌توان به «پل آزادی» به کارگردانی «بهمن منشی» اشاره کرد که در سال ۱۳۶۲ ساخته شد و در ردیف اولین فیلم‌ها با این موضوع قرار گرفت. «کربلای ۵» هم عنوان مستندی با این موضوع است که توسط «سعیدرضا سجادیپور» ساخته شده است. «جواد شمسدری» (پدر پیل پیروزی) را در مورد عملیات بیت‌المقدس ساخته و از عبود آثاری به محسوب می‌شود که در حوزه مستند، به برخی از ابعاد آذارسازی خرمشهر پرداخته است. «از آزادی تا آبادی» به کارگردان محمد دیندار هم جدیدترین مستند تولید شده درباره خرمشهر است که هم به حوادث فتح خرمشهر پرداخته و هم مسئله هم بازسازی این شهر مظلوم را هدف کنش قرار داده است. سینمای داستانی، دیرتر به این موضوع روی آورد. اولین مورد، «بلمی به سوی ساحل» به کارگردانی «رسول مامری» بوده است. این فیلم در سال ۱۳۶۴ ساخته شد و روایت مقابله یکی از گران‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با عراقی‌ها در خرمشهر را به تصویر کشیده است. «حرم می‌بارد» نیز به کارگردانی «ناصر غلام‌رضایی» به جنگ زدگان خرمشهر و زندگی آنها در تهران می‌پردازد؛ فیلمی که در سال ۱۳۶۵ ساخته شد و از اولین آثار با موضوع مورد بحث محسوب می‌شود. سایر فیلم‌ها، پس از جنگ و در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ ساخته شدند. «کیمیا»، «سرزمین خورشید» و «دوئل» سه فیلمی هستند که «احمدرضا شریب» این موضوع به نام خودش ثبت کرده است. هر سه نیز به اشغال خرمشهر و مقاومت مردم آن شهر مربوط می‌شوند.

در سال‌های اخیر، نیز چند فیلم در این زمینه ساخته شده است؛ یکی «روز سوم» به کارگردانی «محمدحسین لطیفی» است که داستانی بر تعلیق و مهیج را از مقاومت مردم خرمشهر و اشغال آن شهر روایت می‌کند. فیلم «کودک و فرشته» به کارگردانی «مسعود نقاش زاده» نیز دیگر فیلم‌های ساخته شده درباره خرمشهر است که در این مورد، نیز موضوع اصلی، سقوط و اشغال این شهر و مقاومت‌های است که مردم آن در مقابل دشمن انجام دادند. «مجتبی اعلی» به فیلم اخیر خود یعنی «عصر روز دهم» گوشه چشمی به موضوع خرمشهر داشته است. این فیلم البته به عراق اشغال شده و عزاداری تاسوعا و عاشورا، در کربلا می‌پردازد؛ اما شروع صحنه فیلم از خرمشهر است. فیلم «سفر سرخ» به کارگردانی «محمد فرخ نژاد» هم از جمله فیلم‌های است که درباره سقوط خرمشهر ساخته شده است. هرچند که این فیلم، هم در ساختار و هم در مضمون، یک فیلم ضعیف محسوب می‌شود. فیلم «شب واقعه» به کارگردانی «شهریار ابدی» که در روایت آن، جوان‌گشتگی شهید «دراغی قاسمی» می‌پردازد نیز نیم‌نگاهی به ماجرای اشغال خرمشهر و یورش سربازان صدام به آبادان دارد. همچنین فیلم «بزرگمرد کوچک» به کارگردانی صادق صافق دقیقی با تمرکز بر شخصیت شهید بهنام محمدی، به سقوط خرمشهر می‌پردازد. این عنوانه نشان می‌دهد که درباره اشغال و سقوط خرمشهر تعدادی فیلم ساخته شده است. اما آنچه به عبادت یک حلقه مفقوده در کل سینمای ایران و به طور خاص در حوزه سینمای دفاع مقدس و به شکل خاص در زمینه خرمشهر قابل نقد است، فقدان به تصویر کشیدن آزادسازی این شهر است. البته بخشی از مشکل هم از آنجاست می‌شود که آزادسازی خرمشهر صرفاً به عنوان یک واقعه تاریخی پنداشته می‌شود، در حالی که این موضوع یک منبع الهام‌بخش و نوعی تجلی حقیقت درباره بزرگی یک ملت و فرهنگش است. با نگاهی عمیق‌تر می‌توان ایستادگی شورمان در مقابل تندبادهای بعدی را هم متکی به همین فتح شناخت. اگر هم بخواهیم در آینده از سایر موانع پیش رو بگذریم، چرامی نداریم در اینجا به طور دائم به آن دوران مراجعه کنیم؛ هم امروز را به آن گذشته درخشان متصل کنیم و هم برخیزیم آن دوران را برای سرافرازی‌های آینده‌تر تعریف کنیم. اتفاقاً بهترین روش به بازتولید موقعیت‌های گذشته و آینده در زمان حال، سینما است. به خصوص اینکه امروز نیز جبهه‌های مبارزه جدیدی در مقابل جامعه ما ایجاد شده و اکنون نیز در حال دفاع هستیم.

این درحالی است که سایر کشورهای صاحب صنعت سینما در دنیا، به شدت در زمینه فتوحات نظامی خود فعالیت می‌کنند. حتی تجاوزگری‌های خود را نیز نوعی حماسه جلوه می‌دهند. مثل دهه‌ها فیلمی که طول دهه اخیر درباره جنگ در عراق و افغانستان ساخته‌اند. حتی در برخی فیلم‌های نیکست‌های خود را پیروزی و حماسه نشان داده‌اند. مثل «داتکر».

خلاً موضوعات مهم تاریخی در قالب‌های دراماتیک، از جمله فیلم سینمایی یا سریال، خسارت‌های فرهنگی فراوان و متعاقب آن خسران‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بسیاری را در پی دارد. نسلی که از تاریخ پیروزی‌ها، فتوحات و قهرمان ملی خود جدا شود، همچون درختی خواهد شد که ریشه‌هایش سست هستند و در برابر هر تندبادی فروخواهد افتاد.

ضمن اینکه موضوعی چون فتح خرمشهر قابلیت‌های بسیاری دارد و می‌تواند منبع تغذیه مناسبی برای تقویت سینمای ما شود. فتح خرمشهر، شاید تنها موضوعی باشد که عشق، حماسه، شجاعت، کشمکش، تضاد و تضاد، ماوراءالطبیعه، تعلیق، قهرمان، درام، تراژدی و در نهایت شادی و شکوه را با هم دارد.




 تصاویر و اسناد
 tasvirroz@kayhan.ir

بخش مسابقه اصلی قرار داد. اما ما علی‌رغم همه این باج‌ها، گذار به جشنواره نیامد و انقدر برایش ایستادیم بود که حتی نخل طلای ویژه نیزه باعث حسد تا از خانه‌ش در پاریس خود را به سواحل کرواز در جنوب فرانسه برساند.

جشنواره هفتاد و یکم هم از همان ابتدا قوانین شداد و غاظر برای شرکت‌کنندگان‌ش وضع کرد، از ممنوعیت عکس سلفی گرفته تا ممنوعیت کش‌نخست، از پاریسی‌ها فقط به نقطه تا کل کل کردن با تفلکیس و ...

فرش قرمز جشنواره به یک مکان توریستی تبدیل شده بود که آدم‌های مربوط به گویاب و تعماش همواره با بنایی تاریخی رفشان، در پوشیدن لباس میوه‌های رنگارنگ مختلف بروی آن راه رفتن و عکس می‌گرفتند و این میان هم برخی بازیگران که خود را به آن رسانده بودند، روی همین فرش عکس گرفته‌اند مثلاً یکی از بازیگران برمدادی این سینما روی فرش قرمز فیلم «توری بی‌لگه جیلان» انداخت!

مدل لباس‌ها از نقاط بسیار بحث‌برانگیز و
نقدآدمیز بود که به دلیل مانور روی فرش قرمز

جایزه اول بخش نئوی نگاه را گرفت، فیلم «نار در جنگ» جایزه هفته منتقدین را به خود اختصاص داد. **Donbass** یک جایزه بهترین کارگردانی را در بخش نئوی نگاه دریافت کرد و ...

به جز این فیلم‌ها، دیگر آثار آمریکایی و هادیسیتی کمپانی «یورو امیج» و اتحادیه اروپا نیز از جبهه‌های تری و در عین حال، سخیف‌ترین فیلم‌های کن هفتاد و یکم به شمار آمد. از سخته لاس اینگز تریر به یک «خلخاله گی که چک ساخت» به صحنه‌های سخته‌مند و تریر-انگیز که باعث شد نزدیک به ۱۰۰ نفر از سالن نمایش فرار کنند تا فیلم «جاده سامواری» ساخته «سلفانو سوانو» و تا فیلم «دختران خورشید» به کارگردانی «وا هوسون» که از جانب طیف وسیعی از منتقدین یارزش نامیده شد.

به این ترتیب هفتاد و یکمین دوره جشنواره کن را می‌توان یکی از سفارشی‌ترین دوره‌های

به بهانه هفتادمین جشنواره فیلم کن



تاریخ این جشنواره دانست. مقامی که پیش از این متعلق به دهر فرهادی و نهون بود به فیلم «فرودشت» (صفر فرهادی) به نام محصولی از انستیتو فیلم دوحه قطر، دو جایزه دریافت کرد و ۶ حضور دیگر از همین کمپانی نیز جوایز مختلفی از جشنواره کل همان سال گرفتند.

اما آثار دیگری که اسمال جوایز دریافت کردند می‌توان از فیلم «دله دزدان» ساخته «خیل کارزو» کوره ایدبا» لیگساز ژاپنی نام برد که نخل طلای جشنواره را گرفت و به زندگی جاشینوشینیان توکیو می‌پرداخت که در بدبختی و فلاکت زندگی خود را از طریق دله دزدی می‌گذرانند. «اسپاک» فیلمی کلاس کلان اسپاهوسوت» از «اسپاک» «لی» جایزه ژبه هیئت داوران را دریافت کرد.

که به فرقه کوکوس کلان‌ها و قضایای ژئوپولسی
 آنها می‌پردازد و در این مسیر یک کارگاه پوهی
 (مکتب ناهوم) می‌گردد. «فکر ناهوم» که
 «محمود لایبی» جایزه برندهٔ دولت لبنان را گرفت
 نگاهی اسرائیلی به ماجراهای لبنان داشت و
 به آن کشور می‌گردد. از توسط یک کودک
 به چالش می‌کشد تا جایی که علیه پدر و مادرش
 و در واقع نسل لبنان به خاطر خطر وضعیت کنونی
 این کشور شهادت می‌کند نوعی نگاه ضد لبنانی
 که با فیلم *The Insult* ساخته «یاد دوری»
 نامزد دریافت جایزه اسکار فیلم غیر لبنانی زبان
 است. فیلم «دختر» هم که جایزه دوربین
 طلایی را گرفت در واقع یک فیلم ژانر حسینی است
 به مسائلاتی که معمولاً در این دسته از فیلم‌های
 غیر اخلاقی مطرح می‌گردد با این افزوده که
 کاراکتر اصلی قد داشت بلند و بالاخره
 فیلم «سرخ» جعفر پناهی که تقریباً جایزه
 «تی پری فروم» (دبیر هنری جشنواره کن) اعلا
 م کرد پناهی هرچه سازد در جشنواره کن پذیرفته
 می‌شود. فروم، پناهی را به عنوان داور تمامی
 جشنواره‌ها نیز برپید؛ یعنی از نسل مشهور کن
 به سایر جشنواره‌ها به اصطلاح هنری، فرقی
 نمی‌کند که پناهی چه سازد، چگونه سازد؛ و چه
 از دربارپادشاهی و به حال هر به صورت و فراتر
 از ملاحا و معیارهای هنری و سینمایی وی در
 جشنواره کن جایزه‌پژای دارد!

این سخنان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مسئولین جشنواره کن، حدوداً اتریشی، برای به این موضوع است که جشنواره فیلم کن، انتخاب فیلم‌ها و اعطای جایزه به آنها، چندان به هنر و سینما توجهی نداشته و ندارد؛ و طرفه آنکه فیلم «سه رخ» در رشته‌ای جایزه می‌گیرد. (فیلمنامه) که پیش از این عناصرش مورد تمسخر و نقد قرار گرفته و به عنوان ضعف اصلی فیلم اعلام شده بود؛ در فیلم «سه رخ» از نظر اغلب منتقدین فیلم موسیقی آریانی‌ها در آنجا که اشتباه کیارستمی بر پرده کن به نظر آمد؛ اگرچه اشتباه متوسط این فیلم از اشتباهی ضعیفی که منتقدین مختلف در جشنواره به فیلم «همه می‌دانند» اصغر فرهادی دادند، بالاتر بود؛ اما به غیر فیلم‌ها و جایزه که به اجماع اکثر منتقدین و حاضرین به اوتلیو پاشنه آسلی جشنواره امسال محسوب شد، وقایع بسیار دیگری نیز اتفاق افتاد که هر کدام از آنها برای تردید در اعتبار یک جشنواره کافی است.

جشنواره هفتاد و یکم کن در این غیبت بسیاری از فیلمسازان برجسته برای دست ندادن اشتباه خوش، این بار از ژان لوک گدار (فیلمساز شناخته شده فرانسوی) دعوت کرده بود و فیلم بسیار معیوب او به نام «تصویر» از این روز

هفتادمین جشنواره فیلم

جشنواره فیلم



حمایت و پشتیبانی مالی و سیاسی کمیتهٔ «یورو امیج» وابسته به شورای اروپا (از زیرمجموعه‌های اتحادیه اروپا) بود که بیش از ۲۰ فیلم در بخش‌های مختلف جشنواره امسال به سفارش و با پول و هزینه این کمیته ساخته و عرضه شد. از فیلم‌های افتتاحیه و اختتامیه یعنی همان زمان‌های طلایی جشنواره گرفته که فیلم «همه می‌دانند» (اسفر فرهادی) در افتتاحیه و دو فیلم «چه کسی دن کیشت را کشت؟» (نوری گیلیام) و «درخت گلابی وحشی» (نوری بیلگه جیلان) در اختتامیه و روز آخر جشنواره نمایش داده شدند تا اغلب فیلم‌هایی که جوایز اصلی این دوره را کسب کردند، همگی از فیلم‌ها و سفارش‌های کمیتهٔ «یورو امیج» وابسته به اتحادیه اروپا بودند. آثاری همانند:

«دائگمن» که جایزه بهترین بازیگر مرد را گرفت، «جنگ سرد» که جایزه بهترین کارگردانی را گرفت و کارگردانش پاول پاولیکوفسکی داده شد که قبلاً فیلم هولوکاستی «آیدا» را ساخته و جایزه اسکار هم دریافت نموده بود، فیلم «پکا» که برنده جایزه بهترین بازیگر زن شد، «لارنوزی خوشحال» که جایزه بهترین فیلمنامه را به طور مشترک با فیلم «سه رخ» جعفر پناهی دریافت کرد، «مرد» که

سپ و اوپاما



متاحده به بیت المقدس را از خود بروز می دهد. با تمام زُست های صلح طلبانه و احساس گرایی به همان دکترین و هماف سناریو را پیش می برند، ولی جسارت و صراحتی که برای نمونه در سیاست های نتود، می توان سراغ گرفت. نگاه فله ای و قراع از عراق در گنجه (بج ۲۰۰۹)، هر چند همراه با تفرقه همان نگاه حماسی و اساطیری ایستود در دهک تکتیرانداز آمریکایی است.

هر دو کارگردان رالیسم تلفیق شده با افراق بیوسم تصویری است، با این وجود، این رالیسم در فیلم های بیگلو و ایستود و بیشتر فیلمسازان د. همچنن، اگرچه احساس گرایی در سناریو ها کارهای بیگلو بیشتر باشد و یا افراق نمایی های نتود، باز هم هیچ تفاوت سبکی نماد از همسویی نیارد، برای مثال در تیرت جنگ عراق نیست.

بیاق، در عالم سیاست می توان اوپاما و ترامپ را دو لمل و قرینه بدیدگرند. به این ترتیب که اگر اوپاما بریم های بین المللی می گردازد تا قراردادی را به نیتس که ترامپ با یک جانیه گرای و جسارت را فسخ نکند و یا با قلدزمایی بی شمرانه نسبت که آن هان قیراردان بین المللی است. متعهد به این شهر چند هزار ساله و مقدس می پروزان نکند. همانطور که ایرانیان را تروریت می نامد یا ب. مهاجران غیر قانونی را حیوان و...

«از آن ترس که های و هوی دارد»، به شخصه ایستود و رانیس جمهوری مثل ترامپ را بیشتر کلیف مخاطب مشخص است و می داند که دشمن نه مانند بیگلو و یا اوپاما، که با ظاهری دوستانه و ترین ضربات را می زند و وقتی فیلم تمام می شود، هم مشخص نیست.

به به

طلای این جشنواره را بدست آورد، «آنها» جدیدترین ساخته «پائولو سورونتو» کارگردان میلانمنامیوس ایتالیایی و از برندگان گذشته جشنواره کن، فیلم «دوره عاله» کارگردان «پیرگرت تلتیموس» که سال گذشته جایزه ویژه هیئت داوران را دریافت کرد، «برادران سیستیز» جدیدترین ساخته «اکا اودیبل» کارگردان فرانسوی و برنده طلاي کن ۲۰۱۵، «غروب آفتاب» کارگردانی «لژو نمس» یکی از داوران دوره گذشته و برنده جایزه ویژه جشنواره برلین، فیلم «پسر شاول»، «روما» از «فوفسو کاورن» کارگردان مطرح مکزیکی، فیلم «غیرداستانی» ساخته «لویونه اسبابیاس» فیلم «مرگ و زندگی» جان اف دانایان» از «خاویر دولان» سینماگر شناخته شده کانادایی و از نامزدهای دریافت طلاي کن ۲۰۱۴ و... در جشنواره امدل پذیرفته نشدند و به جای آنها اثار نسبتاً گمنامی در بخشهای مختلف این دوره از فستیوال کن جای گرفتند که پس از نمایش، ضعیف بودن اغلبشان، وجه مشترک آنها شد.

وقتی در مراسم پایانی هفتاد و یکمین جشنواره فیلم کن، پیش از اعطای جایزه بهترین بازیگر زن، «ژانرا آرجنتو» هنرپیشه ایتالیایی و دختر داریو آرجنتو (فیلمساز معروف) در روی صحنه مراسم رفت و از تجربه تلخ خود در جشنواره کن گفت و اظهار داشت: «سال ۱۹۶۹، همین جا در کن، هاروی واینشتاین به من تجاوز کرد.» در واقع ۱۲ خلاص را به جشنواره کن سپرد که پس از ۱۲ روز، دیگر رمقی از آن نمانده و در زیر تیغ نقادان و اعتراضات مختلف حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای به پیکری در حال موت شبیه شده بود.

می‌توان گفت هفتاد و یکمین دوره جشنواره فیلم کن، یکی از کم‌فروغ‌ترین دوره‌های آن به شمار می‌آید. جشنواره‌ای که سالهاست از اهداف و مانیفست خود، در حمایت از سینمای مستقل و هنری، دور افتاده و به قول «پی‌ری ریسیان» (یکی از مسئولین سابق این جشنواره) «بوری» شش کمپانی‌های بزرگ و لباس و جواهرات و فیلم‌های آمریکایی می‌چرخد که اگر اینها نباشند، جشنواره کن هم وجود ندارد. از همین

روی در همه دوره‌های حداقل ۲۰- ۲۵ سال اخیر بین جشنواره‌ها، آثار سینمایی آمریکا آن هم از نوع تجاری‌ترینش، همواره گل سرسبد آن بوده و تبلیغات و هیاهوی بسیاری برای آن برپا شده است، از حضور چندین باره در دست فیلم‌های «جنگ‌های ستاره‌ها» با آن شکل و شمایل عجیب و غریب گرفته تا مانور نژادپرستانه فرانک میلر و عوان و انصارش با کلاه کابوی برای فیلم «شهر گناه» که حضور عروسکی کارتون‌های مثل «شرک» و «بری با احتمال بارش کوفته قلقلی» تا «روز پش‌سواری عوامل فیلم «بی‌صرف‌ها» بر روی فرش قرمز این جشنواره و تا ...

کریس بدلانجا رسید که حتی برای شرکت فیلم‌های آمریکایی در بخش‌های مختلف جشنواره برخلاف قانون آن که فیلم‌های بخش‌های اصلی هیچ‌گونه نمایش قبلی حتی در سایر جشنواره‌ها نباشی‌ت داشته باشند اما فیلم‌های آمریکایی این قانون و ضابطه جشنواره را هم توپ کرده و بعضی از این دست فیلم‌ها حتی با ماه‌ها اکران عمومی، در بخش مسابقه جشنواره کن حضور یافتند؛ طر فیه آنکه امسال برخی از ست‌ترین فیلم‌های تجاری جشنواره مانند بازی هالیوودی در جشنواره فیلم کن حضور داشتند، از جمله فیلم «سولو: یک داستان جنگ‌های ستاره‌ها» که در واقع جزو سری اصلی مجموعه به حساب نمی‌شود و بخش دوم از سه‌گانه‌ای است که در حاشیه مسابقه اصلی و به عنوان پرانرژی بر آن ساخته شد.

اما یکی از عجیب‌ترین ماجراهای جشنواره هفتاد و یکم فیلم کن، فیلم‌های شرکت کنند در آن بود و عجیب‌تر از آن آثاری که زمان‌های طلایی از سبک کاری دو کارگردان متفاوت، ولی همه به ترتیب- «کلینت ایستود» و «کاترین بوناوت» و شباهت‌های آن دو سبک پیرزاد، ابتدا ایالات متحده به بیت المقدس کنی به ربط با آنها که از انتقال با افتتاح سفارت یک کشور حلی با پذیرخوانده، سسر از یانمی شاشند و آن را از اعیاذ خود بخوانند، نه یک ملت که همین سال هزاران سال هم قدمت داشته باشد، ه عنوان یک ملت نداشته و نخواهند داشت.

اقدامات یکجانبه و وابستگی ایالات متحده برخی از مرتجع ترین کشورهای منطقه که ارتجاعی های پوشالی و وابستگی نامدین می یون دکتزین (سناریوی) سیاسی ایالات متحده نه ص ظارمیانه به طور اخص- که نفوذ و سلطه گری مهم و تاریخی است.

وقتی که ایستودامکار (رئیس جمهور) دد مثلا معاهدها بین المللی را فسخ یا امضاء می تاریخی از جنگ و صلح را دستمایه فیلمساز است انقدر صراحت کلام و جسارت کم داشت را بنویسد و پیش ببرد که مخاطب بداند تکلیفش فیلم تمام می شود- چیستا

برای مثال، ترامپ و ایستودود، در دو می می خواهند، این خواست نامدن تا نواستن دانستن، موجی از نادانی پوپولیستی و جهل تاریخی همان گونه که ایستودود فیلم هایش، مانند تر و نامه های از ایوجیما (۲۰۰۶)، جسارت به تاریخ را در روایت های هالیوودی خود دارد، ترامپ را نادانی ذاتی خود- را در اقدامات سیاسی- مانند